

آمیولانس

۱۰۰ نفر که چیزی نیست

• **بوریا عالمی:** وزیر بهداشت خودش را رساند به آمیولانس و درباره تجمع معترضانه پرستاران گفت: «۱۰۰ نفر که جمع‌شدن پرستار نمی‌شود و تجمع جمع‌شدن ۱۰۰ نفر نیست.» کله را تکان دادم و وزیر را تایید کردم: بله، اینکه چیزی نیست. الان عروسی می‌گیرند. ۶۰۰ نفر آدم جمع می‌شوند. تولد می‌گیرند ۲۰۰ نفر جمع می‌شوند. طرفداران آقای احمدی‌نژاد چندمیلیاردنفر جمع می‌شوند. صف سید کالا که باشد چندهزارنفر جمع می‌شوند. شمشک بازی داشته باشد. ۷۰۰ نفر جمع می‌شوند. هیچ‌کدام اینها هم نمی‌گویند ما تجمع کردیم. بعد ۱۰۰ نفر پرستار جمع شدند اعتراض کنند به خودشان می‌گویند تجمع اعتراض‌آمیز. وزیر حق دارد. یک‌بار هم، سه‌هزارسال پیش، تصادف شده بود و یک‌اتوبوس چپ کرده بود. متأسفانه بر اثر تصادف همه چشم از جهان فرو بسته بودند. مردی که وزیر بهداشت سه‌هزارسال پیش بود، آمده بود بازید. بیکهو متوجه شد یک‌نفر دارد آهوناله می‌کند و به‌صورت اعتراض‌آمیز هی دادوفریاد می‌کند که: آی‌دستم... آی‌پام... دستم شکست... پام شکست... وزیر مربوطه که این صحنه را دید، گفت: عزیزم، ۱۰۰ نفر تجمع نیست، تو داری یک‌نفری چی‌کار می‌کنی؟ طرف گفت: دارم به وضعیت موجود اعتراض می‌کنم. وزیر مربوطه گفت: تو هم حساسی‌ها. این‌همه آدم چشم از جهان فروبستند، صدایشان در نمی‌آید. تو یک‌پات شکسته بین چه سروصدایی راه انداختی. در همین رابطه وزیر بهداشت گفت: «مدعی نیستیم رضایت همه پرستاران را جلب کرده‌ایم اما هیچ‌کس نباید خود را نماینده مجموعه وقشری بداند.» طرف گفت: یعنی چی؟ وزیر بهداشت گفت: یعنی خیلی شلوغش نکن و خودت را نماینده مجموعه مسافران ندان. مشکل تو با آنها فرق دارد. طرف گفت: آها. چشم. متقاعد شدم. وزیر بهداشت گفت: «پرستاران خودشان باور دارند که مشکلات در حال حل‌شدن است.» طرف گفت: این یعنی چی؟ گفت: تو خودت باید باور کنی که دست‌وپایت نشکسته و مشکلات در حال حل‌شدن است. الکی که نباید تجمع ۱۰۰ نفره که ۱۰۰ نفر تجمع نیست بکنی. متوجه شدی؟ پاشو باشو خودت را لوس نکن. طرف گفت: متوجه شدم و بلند شد لباس‌هایش را تکاند و دیگر خودش را لوس نکرد و رفت سمت افق که کم شود. بیجاوبجا وزیر بهداشت، حسن‌هاشمی، کماکان در آمیولانس، گفت: «پرستاران سال‌هاست که با پزشکان کار می‌کنند و نباید آنها را بیجا تحریک کرد.» من کله را تکان دادم و وزیر را تایید کردم: بله، امیدواریم با تلاش مسوولان همه چیز بجا و به‌موقع انجام شود.

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۳ • ۲۲ صفر ۱۴۳۶ • ۱۵ دسامبر ۲۰۱۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۸۷ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۹ • اذان مغرب ۱۷:۱۲ • اذان صبح فردا ۵:۳۷ • طلوع آفتاب ۷:۰۷

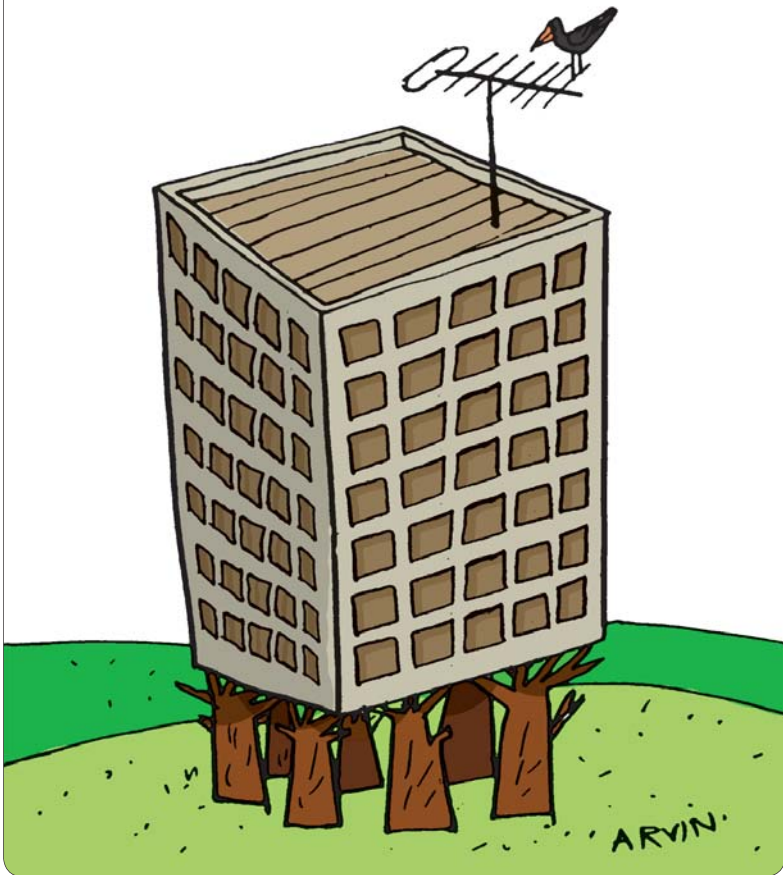
روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

آروین
arvinmad@gmail.com

صاف کردن تپه‌های «شیان» و برج‌سازی مقابل چشمان مردم



پیشنهاد فردا

زن نبشته ارزشمند



فخرالسادات محتمشی‌پور

کتاب «با مادرم همراه» هدیه یک دوست نازنین است به من که همراه دریافت کردم و با من همراه بوده تا نیمه‌های آذرماه که هرگاه فرصتی به چنگ آمده این بار مهربان را گشوده‌ام و فصلی را خوانده‌ام و روح تاریخ‌پژوه خود را با مطالب تاریخی آن نواخته‌ام. «با مادرم همراه» نام زندگینامه خودنوشت روانشاد بانو «سیمین بهبهانی» است با یادنگاره‌هایی از زندگی مادر او، که گردش ذهن در این اثر همزمان، به گذشته و حال و آینده معطوف می‌شود. از این رو شنیده‌های پیش از تولد نویسنده (۱۳۰۶) و رویدادهای پس از درگذشت مادرش (۱۳۵۴) در این حسب حال، بسته به مناسبت، روایت شده است. چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۹۱ و چاپ دوم در سال ۱۳۹۲ توسط انتشارات سخن انجام شده است. باید گفت در این کسادی بازار زن‌نبشته‌ها و خودنبشته‌ها از گذشته تاکنون، غنیمتی است این کتاب ارجمند. بخشی از کتاب را دست‌برقضا در بیمارستان مطالعه کردم. آغازش را هنگام تیمارداری پدر و پایشان را بر بالین دخترم. با خواندن هر برگي از آن، رنجوری جسم مادر و دردهای دختر گویی جسم مرا نیز می‌فرسود، وقتی می‌دیدم درد حقوق زنان که درد امروز ماست، درد

پاسخ به فراخوان

فرزاد ادیبی هم از رعایت نکردن «کپی‌رایت» گله دارد

حداقل اتفاق ممکن این است که وقتی کسی از اثر استفاده‌ای می‌کند، منبع را ذکر کند یا لاقال امضای پدیدآورنده را حذف نکند! نه اینکه اثر او را دُفرمه هم بکند.

🔪 **شما سال‌ها عضو هیات‌مدیره انجمن صنفی حرفه‌تان بودید و هیچ‌کاری در این زمینه انجام ندادید؟**

در تلاش هستیم که یک‌سری قوانین برای حمایت از حقوق اعضایمان در این زمینه تدوین کنیم منتها هنوز به نتیجه قطعی نرسیده‌ایم که باید چه قوانینی تدوین و بطور آن قوانین را اجرا کنیم.

🔪 **پس اگر قرار باشد کاری در این زمینه انجام شود، پیشنهادتان چیست؟**

به نظر من برای جلوگیری از این رفتار زشت، باید فرهنگ‌سازی کرد. قانون نمی‌تواند دلیلی کافی برای عدم ارتکاب جرم باشد چون به‌رحال راه‌هایی برای دورزدن قانون وجود دارد. اما اگر فرهنگ‌سازی کنیم، افراد پی به ارزش معنوی آثار می‌برند و آن وقت وجدانشان اجازه بروز چنین رفتاری را به آنها نمی‌دهد، نه اینکه صرفا به سبب ترس از قانون مجبور باشند چنین مواردی را رعایت کنند.

آمده که خودم برای برحذرداشتن شاگردانم از چنین رفتارهایی، این موضوع را سر کلاس‌ها مطرح کرده‌ام، اما با توجه به اینکه تا به حال ندیده بودم به‌طور جدی روی این موضوع کار رسانه‌ای صورت گیرد، خوشحالم این موضوع مطرح شده و مورد بحث قرار گرفته است.

🔪 **باخبر هستید که آیا به لحاظ قانونی می‌توانید مجرم را تحت پیگرد قرار دهید یا خیر؟**

اگر بخواهیم از طریق قانون پیگیری کرده و احقاق حق کنیم، قضیه قابلیت پیگیری دارد اما چون قانون مشخصی در این زمینه وجود ندارد، بعید می‌دانم که به نتیجه برسد.

🔪 **پس خود شما هم هیچ‌وقت پیگیری در این زمینه انجام نداده‌اید؟**

می‌دانستم که برای چنین پیگردی وقت بسیار زیادی باید صرف کنم و این برایم هزینه‌بر بود. من زمانی آن آثار را فروخته بودم و حالا برای دفاع از حقوق معنوی‌ایم باید دوسه‌برابر حاصل کارم هزینه می‌کردم، تازه نتیجه روشنی هم در پی نداشت. ما درواقع اثرمان را به سفارش‌دهنده می‌فروشیم و پس از آن دیگر صرفا مالک معنوی اثر هستیم، با این حال

عسل عباسیان: فرزاد ادیبی از گرافیست‌های صاحب‌سبک این سال‌ها و عضو هیات‌مدیره انجمن صنفی طراحان گرافیک، وضعیت کپی‌رایت در گرافیک را اسف‌بار توصیف می‌کند. او در ادامه به سوال‌های ما در این زمینه پاسخ داده است.

🔪 **در حرفه گرافیک، رعایت نکردن حق کپی‌رایت به چه صورت است؟**

در حرفه ما کارها به دو صورت کپی می‌شود. یکی به این صورت است که اصل اثر بدون اجازه در مطبوعات یا جاهای دیگر منتشر می‌شود. حتی در مواردی پیش آمده که تصویرسازی مرا وارونه کرده‌اند و حتی امضایم هم وارونه و ناخوانا شده یا حتی در مواردی امضا را هم حذف کرده‌اند! نوع دیگری از بروز رعایت‌نکردن حق کپی‌رایت دزدی ایده است. بارها پیش آمده که حتی آدم‌های حرفه‌ای کاربلد، ایده مرا برداشته‌اند و با کار خودشان مونتاژ کرده و کار ثانویه‌ای ساخته‌اند، بی‌اینکه به من اطلاع دهند یا از من اجازه بگیرند.

🔪 **واکنش شما به این موارد چه بوده است؟**
هیچ، حتی این اولین بار است که کسی درباره این موضوع از من سوال می‌کند. البته بعضا پیش

دستگاه خودروی بنز

به آقایان مسعود قربانف شوشتری از اهواز، یوسف باباپور و ایوب باغبان از تبریز تحویل گردید.



فقط با ضمانت **سام**
مرکز تماس: ۰۲۱-۸۲۵۵ سرویس

